





دانشگاه پیام نور

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع :

بررسی زبان و تصویر در اشعار مفتون امینی

استاد راهنما :

دکتر قدسیه رضوانیان

استاد مشاور :

دکتر قدرت الله طاهری

نگارش :

سیده حمیرا نیک بخت

خرداد ماه 89

تقدیم به :

دو فرشته ی سعادت بخش زندگی ام، پدر و مادر

عزیزم که در پرتو

تلاشهای خستگی ناپذیرشان بالیدم .

و برادران و خواهران مهربانم که صدا و نگاهشان

ترانه ي آفتاب وجودم شد.

سپاس خدای یگانه بی همتا را که حیاتم بخشید و توان
آموختن و کسب علم و دانش را بر وجود خاکی ام
ارزانی داشت. سپس سپاس فراوان خود را به همه ی
کسانی که به نوعی در پرورش فکری ام مؤثر بودند
و از محضرشان بهره ها بردم تقدیم می نمایم. مراتب
سپاس و قدردانی خود را به پیشگاه استادان ارجمند
و فرهیخته سرکار خانم دکتر رضوانیان و جناب آقای
دکتر طاهری که راهنمایی و مشاوره ی این پایان
نامه را عهده دار شدند و حمایت و راهنمایی های
ارزنده شان را از من دریغ ننمودند تقدیم می کنم.
از خانواده ی عزیزم به خاطر مساعدت های صمیمانه
شان بسیار سپاسگزارم و از خداوند متعال موفقیت
و سلامتی شان را آرزومندم.

چکیده

شاعر به کمک زبان و تصویر با اطراف خود رابطه برقرار می‌کند، و به بیان افکار و احساسات خود می‌پردازد. با بررسی زبان و تصویر در شعر هر شاعری می‌توان تحول و پیشرفت و حتی رکود هنر شاعری او را بررسی کرد. زبان و تصویر دو ویژگی بارز شعری محسوب می‌شوند که هنرمند با بهره‌گرفتن از آن‌ها برای رسیدن به آرمان‌های بلند خود سود می‌جوید.

مفتون امینی شاعری است که به طور پیگیر در عرصه‌ی شعر معاصر حضوری مؤثر داشته اما کمتر شناخته شده و هیچ نقد و تحلیل بایسته‌ای از اشعارش صورت نگرفته است. این پژوهش به معرفی و شناخت بهتر این شاعر کمک می‌کند و به تحلیل اشعارش می‌پردازد.

در مجموعه‌های شعر امینی دو گونه‌ی زبان و تصویر به چشم می‌خورد. در مجموعه‌های «دریاچه، کولاک، انارستان» شاهد زبانی کلاسیک و قدیمی هستیم. اما در مجموعه‌های بعدی مانند «عصرانه در باغ رصدخانه» و «من و خزان و تو»

شاعر به زبانی ویژه، نگاهی مستقل و خلاقیت تازه ای دست پیدا می‌کند. او در ابتدا به اشعار کلاسیک گرایش دارد. تازگی و تنوع در مجموعه های ابتدایی شاعر مشاهده نمی‌شود بلکه اشعاری است که در ادبیات منثور و منظوم ما بسیار پرسابقه است. اما اشعار دوره ی دوم شاعر تغییر، حرکت و تحول شاعر را به خوبی نشان می‌دهد. زبانی نرم و بااستقلال که از کلمات کهنه در آن خبری نیست و نه در استعاره و ابهام غوطه ور است. این پژوهش به روش بلاغی و زبان شناختی صورت می‌گیرد و هم چنین داده هایی به صورت آماری ارائه می‌گردد و از لحاظ زبان و تصویر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در فصل اول کلیات و تحلیل هایی درباره ی زبان و تصویر، مطرح شده، در فصل دوم، اشعار مفتون از مقوله ی زبانی بررسی شده و ویژگی های آوایی، دستوری و واژگانی آن بیان گردیده و هم چنین داده های آماری نیز ذکر شده است، در فصل سوم، شعرها از نظر تصویری بررسی شده اند، در این بخش به مقاصد اصلی علم بیان توجه شده است و تشخیص و تشبیه دو آرایه ی پرکاربرد شاعر معرفی شده اند. فصل چهارم نتیجه گیری است. بر اساس نتایج به دست آمده مفتون شاعری معرفی می‌شود که گام های تازه ای در مسیر شاعری اش برداشته و تغییر و تحولاتی را چه در حوزه ی زبان و چه در حوزه ی تصویر پشت سر گذاشته است. او با برقراری نظم در زبان معیار و خلق تصاویر شاعرانه توانسته است از زبان معیار حداکثر استفاده را ببرد.

واژه های کلیدی: شعر معاصر، نقد بلاغی، نقد زبان شناختی، تصویر و زبان، مفتون امینی

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول - کلیات و مبانی تحقیق

مقدمه

.....	
.....	
.....	1
.....	1 - 1 - تعریف مسأله و سؤال های اصلی تحقیق
.....	3

فرضیه	بیان	-	2	-	1
.....					
.....					
تحقیق	ضرورت	و	سابقه	-	3
.....					
.....					
اهداف		-	4	-	1
.....					
.....					
تحقیق	انجام	روش	-	5	1
.....					
.....					
5	نامہ	زندگی	-	6	1
.....					
.....					
زبان		-	7	-	1
.....					
.....					
شعر	در	زبان	-	7	1
.....					
.....					
تصویر	به	کلی	نگاهی	-	8
.....					
.....					
17	تصویر	تاریخی	زمینه	-	1
.....					
.....					
18	تصویر	تعریف	-	2	1
.....					
.....					
20	تصویرها	ارتباط	-	3	1
.....					

.....	54				
.....	2	–	4	–	3
.....		–		–	اجاز
.....				
.....					56
.....	2	–	4	–	4
.....		–		–	تغییر لحن به اقتضای حال و مقال
.....				
.....					57
.....	2	–	5	–	ویژگی های آوایی
.....				
.....					58
.....	2	–	5	–	1
.....		–		–	موسیقی در شعر مفتون
.....				
.....					59
.....	2	–	5	–	1
.....		–		–	شعرهایی با وزن عروضی
.....				
.....					59
.....	2	–	5	–	1
.....		–		–	شعرهایی با وزن نیمایی
.....				
.....					60
.....	2	–	5	–	1
.....		–		–	شعرهای سفید بی وزن
.....				
.....					61
.....	2	–	6	–	تأملی در زبان آهنگین شعرهای سفید
.....				
.....					61
.....	2	–	7	–	هماهنگی موسیقی با عاطفه
.....				
.....					66
.....	2	–	8	–	چند نمونه تحلیل زبانی اشعار مفتون
.....				
.....					67
.....	2	–	8	–	1
.....		–		–	« هر چه می رود از خود »
.....				
.....					68
.....	2	–	8	–	2
.....		–		–	« گویه ی نه »
.....				

.....	68				
« فصل، تقسيم بر دو »	2	8	3	-	
.....					
69					
« گويه ي ديگر / 2 »	2	8	4	-	
.....					
70					
فصل سوم - تحليل تصويري اشعار مفتون اميني					
تشخيص	3		1	-	
.....					
.....					
73					
مکنيه ي استعاره	3		2	-	
.....					
.....					
78					
مصرّحه ي استعاره	3		3	-	
.....					
81					
مصرّحه ي انواع استعاره	3		3	-	1
.....					
84					
تشبيه	3		4	-	
.....					
.....					
85					
فشرده تشبيه	3		4	-	1
.....					
.....					
87					
کنايه	3		5	-	
.....					
.....					
90					
آميزي حسّ	3		6	-	
.....					
.....					
92					

پارادوکس	7	3
.....		
.....		
عاطفه و تصویر هماهنگی	8	3
.....		
.....		
تصویر کلّی به تصویر	9	3
.....		
.....		
چند نمونه تحلیل تصویری اشعار مفتون	10	3
.....		
.....		
« قراول ها »	10	3
.....		
.....		
« زندگی »	10	3
.....		
.....		
« سرایه ی چهار / 80 »	10	3
.....		
.....		
« گویه ی هفت / 78 »	10	3
.....		
.....		
فصل چهارم - نتیجه گیری		
خلاصه و نتیجه گیری		
.....		
.....		
گفتگوی نویسنده ی پایان نامه با مفتون امینی	102	
.....		
.....		
فهرست منابع و مآخذ	106	
.....		
.....		
		110

فصل اوّل

کلیّات و مبانی تحقیق

مقدمه

زبان مؤثرترین وسیله ای است که جهان اندیشه و دنیای درون ما را با جهان بیرون مرتبط می‌کند. از یک سو وسیله‌ای ارتباط و از سوی دیگر وسیله‌ای بیان افکار و احساسات است. زبان شعر یک گونه‌ای زبانی است که از یک ساخت تجربی و معنایی ویژه سخن می‌گوید و صورت آن از معنایش جدایی ناپذیر است. صورت‌های خیال نیز از عناصر مهم شاعری است که موجب تصرف در مفاهیم هستی و زندگی انسان می‌شود و یکی از راه‌های شناخت تفکر و اندیشه‌ی شاعر است.

صورخیال سبب می‌شود دنیایی که شاعر در شعر عرضه می‌کند با جهان واقعی ما، که به آن عادت کرده‌ایم تفاوت پیدا کند و همین تازگی و غرابت جهان شعر، که بی‌تردید عنصر خیال در پدید آوردن آن نقش به‌سزایی دارد سبب می‌شود که توجه ما به متن بیشتر گردد. صورخیال (تشبیه، استعاره، تمثیل، کنایه و صور پیچیده آن، رمز و اسطوره) یکی از عناصر مهم شعر است، بعدی ماورای خیال در شعر ایجاد می‌کند، و انسان را با خود به آن سوی

واقعیت و دنیای خیال می برد و او را در فضای حضور امری مقدس و در آستانه راز قرار می دهد.»
این پژوهش می کوشد تا مشخص کند که آیا می توان مفتون امینی (شاعری که کمتر شناخته شده و هیچ نقد و تحلیل بایسته ای از اشعارش صورت نگرفته) را صاحب زبانی ویژه با تصاویر خلاقانه معرفی کرد؟

با توجه به اهمیت این مسائل در ادبیات معاصر و هم چنین معرفی و شناخت بهتر مفتون امینی به عنوان یکی از شاعران معاصر، این تحقیق بر آن است تا به بررسی زبان و تصاویر شعری او بپردازد و تغییر و تحولات و تازگی تصاویر و زبان او را نشان دهد.

این مجموعه در چهار فصل تنظیم شده است:

فصل اول؛ کلیات و مبانی تحقیق، در ابتدای این فصل تعریف نسبتاً گسترده ای از مسأله و سؤالات تحقیق، فرضیه ها، اهداف پژوهش و زندگی نامه ی شاعر، بیان می گردد و تحلیل کلی و بایسته ای از دو عنصر اصلی تحقیق (زبان و تصویر) ارائه می گردد. در این فصل زبان و تصویر دو ویژگی بارز در شعر معرفی می شوند که هنرمند با بهره گرفتن از آنها برای رسیدن به آرمان های بلند خود سود می جوید.

فصل دوم؛ تحلیل زبانی اشعار مفتون امینی، از آنجایی که سطح زبانی یک اثر مقوله ای گسترده است، می توان آن را به سه سطح کوچکتر لغت، دستور و آوا تقسیم بندی کرد. این فصل به بررسی این ویژگی ها می پردازد؛ در سطح لغوی به بسامد واژگان و افعال تازه و قدیمی توجه می شود. از دیدگاه دستوری سبک شناسی و بافت کلام مورد توجه قرار می گیرد و مسائلی چون تقدیم و تأخیر اجزای جمله، تکرار و حذف و تغییر لحن به اقتضای حال و مقال پرداخته می گردد. در بحث از آواها موسیقی در شعر بیان می گردد و به بسامد صامت ها و مصوت ها توجه می شود.

فصل سوم؛ تحلیل تصویری اشعار مفتون امینی، در این فصل به مقاصد اصلی علم بیان، تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه توجه می شود. و نمونه های هر یک با نکات ضروری در شعر مفتون بیان می گردد. در این فصل دو آرایه ی برجسته و پر کاربرد، تشخیص و تشبیه است که شاعر با بهره گرفتن از آن ها به آفرینش ادبی دست زده است.

فصل چهارم: نتیجه گیری، در این فصل خلاصه و نتیجه ای از مطالب کل فصل ها بیان می گردد. و در نهایت مفتون شاعری معرفی می شود که گام های تازه ای در مسیر شاعری اش برداشته است و تغییر و تحولاتی را، چه درحوزه ی زبان و چه در حوزه ی تصویر پشت سر گذاشته است.

در ضمن به دلیل وجود تصاویر و زبان کهنه و تکراری در
سه مجموعه ی اول ذکرکردن همه ی آن ها
لازم ندانستم؛ اما در عین حال با مطالعات پی در پی
اشعار، عمده ی مطالب استخراج و تحلیل
شده است.

1-1 تعریف مسأله و سؤال های اصلی تحقیق

ایماژ یا خیال عنصر اصلی در در جوهر شعر است و
تخیل بازگشتن به خیال و ایماژ است. « دي
لوییس می- گوید: در ساده ترین شکل آن تصویری است که با
ساخت کلمات ساخته شده است. یک توصیف یا صفت به یک
استعاره ممکن است ایماژ بیافریند و بر روی هم مجموعه ی آن
چه را که در بلاغت اسلامی در علم بیان
مطرح می کنند با تصرفاتی موضوع و زمینه ی ایماژ است. آن
چه ناقدان اروپایی ایماژ می خوانند مجموعه امکانات بیان
هنری است که در شعر مطرح است و زمینه ی اصلی آن انواع
تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، رمز و گونه های مختلف
تصاویر ذهنی می سازد. (شفیعی کدکنی، 1383: 10)
زبان از یک سو وسیله ی ارتباط و از سوی دیگر وسیله ی
بیان افکار و احساسات است، مؤثرترین وسیله ای است که
جهان اندیشه و دنیای درون ما را با جهان بیرون مرتبط می
کند، زبان عبارت است از مجموعه ی این قواعد و نیز
تعدادی واژه که واژگان زبان را تشکیل می دهند.
بنابراین زبان یک نظام است زبان شعر یک گونه ی زبانی

است که از يك ساخت تجربي و معنایي ویژه سخن مي گوید و صورت آن از معنایش جدایی ناپذیر است. به گفته سارتر «شاعر به زبان فایده مي رساند» منظور از این سخن آن است که شاعر به گنجینه ي زباني، زبان خود مي افزاید. ما در این پژوهش درصدد بررسی این مسأله هستیم که آیا مفتون امینی (شاعري که کمتر شناخته شده و هیچ نقد و تحلیل بایسته اي از شعر او صورت نگرفته) را مي توان بر مبنای زبان و تصاویری که بر مبنای آن زبان خلق کرده است، شاعري با تعریف سارتر نامید. فرض اصلي تحقیق ما بر این است که او صاحب زباني ویژه با تصاویری خلاقانه است.

این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤالات است:

- زبان شعري مفتون در مسیر شاعري اش چه تحولاتي را پشت سر گذاشته؟
- ارتباط زبان و تصویر در اشعار مفتون امینی چگونه است؟
- آیا زبان روزمره در اشعار مفتون تأثیر داشته است؟
- جایگاه مفتون در جریان معاصر شعر فارسي کجاست؟

1 - 2 بیان فرضیه

فرض ما بر این است:

- مفتون از دایره ي محدود تقلید کلاسیک به بیکرانی خلاقیت شعر راستین معاصر وارد مي شود و تحولاتي را پشت سر مي گذارد.
- زبان اشعار مفتون به سوي زبان امروز حرکت مي کند بدون اینکه شعر رنگ تصویري خود را از دست بدهد. و کلمات صمیمیت نهفته در احساس شاعر را با استعاراتی بکر و تازه بیان مي کنند.
- شاعر با زباني سروکار دارد که با زندگی معاصر، هم عصر و هم وزن است.
- اشعار مفتون به سبب ورزیدگی اش در زبان نو قدمایی و نیز توجه اش به مسائل و عناصر روزمره از همان نخست قابل تمییز از اشعار دیگر شاعران است.

1 - 3 سابقه و ضرورت انجام تحقیق

با توجه به ای که شاعر از زبان و تصویر منحصر به فرد خود، در اشعارش استفاده کرده است و قابلیت پردازش مستقل علمی را دارد اما کاری مستقل در این زمینه انجام نشده و فقط بررسی هایی کوتاه در کتاب تاریخ تحلیلی شعر نو (شمس لنگرودی) و چشمه ی روشن (دکتر غلامحسین یوسفی) و طلا در مس (رضا براهی) دیده می شود. در این مجموعه سعی بر آن است که زبان و تصویر در اشعار مفتون تحلیل و بررسی شود.

1- 4 اهداف

- معرفی و شناخت بهتر مفتون امینی به عنوان یکی از شاعران معاصر
- بررسی آثار و نقد و تحلیل اشعار مفتون امینی از لحاظ زبان و تصویر
- کمک به بررسی و تحلیل های ادبی معاصر

1 - 5 روش انجام تحقیق

موضوع این پژوهش بررسی زبان و تصویر در اشعار مفتون امینی است. در این پژوهش با نگاه به زبان و بهره گیری از آن در ساخت تصویر سعی بر آن است که خلاقیت شاعر نشان داده شود. با وجود این که مفتون امینی شاعری است که در عرصه ی شعر معاصر کمتر شناخته شده است، این تحقیق راهی برای شناخت و معرفی بهتر این شاعر معاصر است. روشی که در تدوین این پژوهش به کار گرفته شده روش بلاغی و زبانی است. ابتدا با مراجعه به کتابخانه و منابع تحقیق، در مورد زبان و تصویر بررسی تئوریک صورت می گیرد و تعاریف هر یک ارائه می گردد. و سپس با مطالعه ی مجموعه های شعر امینی ویژگی های زبانی و تصویری، جمع آوری، طبقه بندی و تحلیل می گردد. نتایج این تحقیق تحول زبانی و تصویری را در اشعار مفتون نشان می دهد. شاعری که ابتدا در اوزان کلاسیک با واژگانی قدیمی شروع به سرودن کرد، سرانجام به چنان پختگی فکری، زبانی و بلاغی رسید، که اشعارش هم پایه ی بسیاری از اشعار شاعران معاصر است.

1 - 6 زندگي نامه

مفتون اميني در ابتدای مجموعه ي «عصرانه در باغ
رصدخانه» زندگي را این گونه بیان می کند:

ابري به شكلي در آمد / وز هم بپاشيد و گذشت / يك لحظه
بر خویش پیچید / بادي سراسیمه در دشت / این است افسانه
عمر...

من در تاریخ 21 خردادماه سال 1305 شمسي مطابق با اول
ذيقعه ي 1344 هجري در قریه ي «هوله سو»
واقع در نزدیکی شاهین دژ که جنوبی ترین قسمت آذربایجان
در همسایگی با کردستان می باشد متولد شده ام
و از هفت سالگی به تبریز آمده و در 23 سالگی از دانشگاه
تهران در رشته ي حقوق فارغ التحصیل شده و 31 سال در
دادگستری بوده ام و نصف این مدت را در اداره های غیر
قضایی آن خدمت کرده و بیشتر در کارهای مطالعاتی و نظری
گذرانده ام تا اجرایی. ضمناً در 32 سالگی ازدواج کرده
دو دختر و دو نوه دارم. دختر و نوه بزرگم بیش از بیست
سال است که در سوئد زندگی می کنند. اما در خصوص دوران
های شاعری خود باید بگویم که، از اوان کودکی قدرت نظم
داشته ام و دوره ناظمی من از کلاس چهارم ابتدایی تا سال
1319 ادامه داشته بعد از سوّم شهریور و تغییر کلی اوضاع
به چیزهای جالب دیگری غیر از شعر متوجه شده ام. تا این
که از سال 1330 به بعد به سرایندگی مجدد و مقرون به شعر
واقعی نمودم. (گفت و گوی نویسنده)

«تا اواسط دهه ي سی و در واقع تا چاپ نخستین دفتر شعرش،
خودش این گونه تعریف می کند: گلستان سعدي را در «شاهین
دژ» در نزد میرزا عبدالله انصاری آموختم بعد که به
تبریز آمدم، 1313 بود. برای رفتن به مدرسه امتحان گرفتند
و به کلاس سوّم رفتم. این امتحان غیر ریاضی بود ریاضی را
از سال چهارم به بعد درس می دادند. اولین شعری که گفتم
در مجله ي راهنمای زندگی که حسینقلی مستعان و همسرش ماه
طلعت پسیان پسیان اداره می کردند به سال 1319 چاپ شد
دو شعری بود راجع به وطن پرستی و سعی و کوشش. شهریور
1320 بعد از اشغال ایران، دنیا به یکباره عوض شد، به
تعبیر من دنیای زیبای شعر شد. سال 1333، هم زمان با
آغاز شعر نو، مفتون از اداره ي دادگستری بیرون
می آید و در پی شعر راهی تهران می شود و همنشین محمد زهری،

نصرت رحمانی، فرخ تمیمی، شهاب ابراهیم زاده و فریدون کار درکافه های خیابان نادری و استانبول می گردد. فریدون کار، مسئول صفحه ی ادبی سیاه و سپید که فروغ را نیز به جامعه ی شعری ایران معرفی کرده بود، مفتون را با بزرگان شعر و ادب آن روزگار آشنا می کند.» (محمدی ، 1384)
و بالأخره گرایش ادبی من معطوف بلکه منحصر به شعر سپید فارسی است. و سعی نموده ام که نمونه های اصلی و کافی از این اشعار را در چهار کتاب اخیر خود آورده باشم بدیهی است که علاقه ی من به انواع دیگر شعر نمی تواند و نباید از میان برود. من از شعرهای عروضی و نیمه عروضی که قبلاً" سروده ام ناراضی نیستم و هم چنین به همه- ی شاعران خوب ازهر صنف علاقمند بلکه ارادتمندم .
(گفت وگویی نویسنده)

آثار او به دو دوره ی مشخص تقسیم شده است: دوران اول با دریاچه در سال (1336) آغاز شد و به آثار زیر رسید: کولاک (1344) ، انارستان (1346) ، عاشق لی کروان (1358) و دوران دوم که با فصل پنهان در سال (1370) آغاز می شود و با یک تاکستان احتمال (1376) و سپیدخوانی روز (1378) ادامه می یابد و به عصرانه در باغ رصدخانه (1383) می رسد.

1 - 7 زبان

زبان نزدیک ترین همسایه ی بودن انسان است. ما در زندگی روزمره فراوان با زبان مواجهیم و به محض این که به اطراف خود توجه می کنیم به زبان می رسیم تا به وسیله ی آن، آن چه هست را در ابعادی آشکار شرح دهیم .
زبان وسیله ی ارتباط است اما این ارتباط در پس ظاهر ساده ی خویش چه جهانی سرشار از پیچیدگی ها در خود نهفته دارد! ارتباط انسانها در جهان انسانی روی می دهد. در حالی که جهان انسانی نیز جز همین ارتباط نیست. زبان برای ایجاد ارتباط میان افراد یک جامعه به کار می رود، تجارب انسانها را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند. و پیوند مستمری میان حال، گذشته و آینده ی انسان برقرار می کند.

« همه چیز را به زبان می شناسیم، اما زبان را جز به زبان نمی توان شناخت. زبان را به تنها چیزی که در جهان

همانند مي توان کرد نور است. چرا که همه چیز را به نور مي بينيم، اما نو را جز به نور نمي توان دید. نور خود روشنگر خویش است و آن چنان روشنگري که همه چیز را پدیدار مي کند، اما خود پنهان مي ماند. ذات زبان پدیدارگري است. زبان « جهان » را در تمامی کلیت و جزئیتش براي ما گزارش مي کند؛ و « جهان » يعني دایره ي تمامی بخشنده ي « آن چه هست و بوده است و تواند بود » اما، « تواند بود - بود » يعني آن چه نیست و نبوده است و گویی جایی در زهدان هستي خفته است تا روزي از آن جا سر به در آورد. « (آشوري ، 1373 : 7-8)

« زبان دستگاهي از نشانه هاست، هر يك از ما در کاربرد شخصي زبان در گفتارمان، مجموعه اي از نشانه ها را برمي گزينيم، از پاره اي از توان هاي زبان سود مي جوييم و گونه اي « سخن فردي » يا « روش بيان ویژه ي خود » را مي آفرينيم. هر اثر هنري اما، فراتر از گفتار يا « سخن فردي » مي رود نه فقط مجموعه اي است از نشانه هاي برگزیده (که هر يك بنا به قراردادي از پيش تعيين شده ، مدلول هايي در ذهن مخاطب مي سازند)، بل که مجموعه اي از قراردادهاي جديد (نشانه ها و مدلول هاي تازه) نیز هست. آگاهی به اين نشانه ها (يعني شناخت معاني قراردادي و معاني تازه) در حکم کشف مناسبات راستين میان اثر و مخاطب آن است. « (احمدی ، 1370 : 7)

زبان ساختی نظام مند متنوع از واژه ها و جملات است، نظامي است از کنش هاي گفتاري که در درون انسان موجودیت مي يابد. دروني بودن زبان در انسان به معني کاربرد و تسلط انسان بر زبان است. « بنياد زبان بر » اسم « است، يعني بر نامیدن و نام. انسان با نامیدن آن چه هست دایره ي هستي را تمامی مي بخشد و با نامیدن هر چیز ذاتي را بيان مي کند که کلمه بردار آن نزد عقل و فهم بشري است. « (آشوري ، 1373 : 12)

انسان به کمک زبان در پهنه ي بیکران هستي و زمان حضور مي يابد؛ زبان به آدمي در جهان، هستي و هویت مي-بخشد و براي انسان جهان را عینیت مي دهد. زبان واسطه اي میان انسان و جهان است و هم چنین سه مقوله ي انسان، جهان، زبان، با یکدیگر مفهوم هستي را عینیت مي بخشد و به کمال مي رسانند. به ياري زبان است که انسان مي تواند به

جایگاهی بالا دست یابد، زبان هستی را برای انسان معنا می بخشد و جهان اطراف انسان را آشکار می کند.

« با نگاهی به جوامع انسانی به روشنی می توان به این حقیقت راه برد که زبان در تمامی ساخت های زندگی آدمی نفوذ کرده است، آنگونه که همواره سازمان دهنده ی روابط میان آدمیان بوده است و حتی بسیاری از نهادها، مناسبات و شعائر جامعه در چارچوب زبان و یا دست کم به واسطه ی زبان پدید آمده اند. افزون بر این در مناسبات میان انسان و جهان نیز همواره سایه ی محتوم زبان حاضر است و وجودی مقدر دارد و تعیین کننده ی چندوچون این مناسبات است. این تعیین کنندگی چنان است که به باور پیتر وینج» برداشت ما از آن چه به قلمرو واقعیت تعلق دارد، در زبان مورد استفاده مان نهفته است. مفهوم هایی که برای خود ساخته ایم تجربه ی ما از جهان خارج را ارائه می کنند[...]. جهان برای ما همان چیزی است که از راه آن مفهوم ها را شناخته ایم» (بازگفت از فریزی و سه یر 1374 : 115) و از آن جا که زبان، خود، نیز ریشه در مقتضیات جامعه ای دارد که در آن پا گرفته است و عمل می کند، در واقع بازنمودی اجتماعی از جهان را رمزگذاری می کند (فالر 1991 : 37) با نظر داشت به این امر و با توجه به این که جامعه ، بنا به ماهیت خود و بر اثر عمل کرد عوامل گوناگون اجتماعی ، پدیده ای یک دست و هم گون نیست، نه زبان ما یک پارچه، هم گون و واحد است و نه جهان ما: ما در دنیایی متکثر و بس گونه و متشکل از جهان هایی بی شمار زندگی می کنیم. « (مهاجر و نبوی ، 1376 : 19)

زبان بهترین وسیله برای پیوند اندیشه هاست. آدمی به کمک زبان راز درون خود را بازگو و با دیگران رابطه برقرار می کند. بدین ترتیب زبان محور تمام پیشرفت های جهان است اما قابل گفتن است که محدوده ی زبان بسی عام تر و فراتر از سخن گفتن است.

« ملانس تون زبان را در خدمت تربیت اخلاقی - مذهبی انسان قرار داد. [به اعتقاد وی] برای دست یابی به چنین هدفی، هیچ ابزاری کارایی زبان را ندارد؛ زیرا « قابلیت بیان توانایی داور ماهیتا" وابسته به یکدیگرند « حال اگر « شناخت « و « فصاحت « را نتوان از یکدیگر جدا تصور کرد، باید پذیرفت که لفظ به جا، روشن و زبانی به مثابه ی نشانه ی وضوح و تفکر عمل می کند. « (صفوی ، 1377 : 41)

« فردیناند دوسوسور معتقد بود که زبان، نظام نشانه هاست و هر نظام زبانی، رشته ای از تمایزهای آوایی و معنایی